

پایگاه اجتماعی یهودیان شرقی تبار

چکیده مقاله:

یهودیانی که از کشورهای آسیا و آفریقا و عمدتاً پس از تشکیل دولت اسرائیل در ۱۹۴۸ به آن کشور آمده و در آن ساکن شده‌اند، یهودیان شرقی خوانده می‌شوند. سالها از حضور آنان در اسرائیل می‌گذرد و امروزه جمعیتی افزون بر ۲/۲ میلیون نفر را تشکیل می‌دهند. در این نوشتار، بررسی اجمالی موقعیت و پایگاه اجتماعی آنان در جامعه اسرائیل، محور اصلی است و در راه نیل به این هدف، متغیرهایی چون آموزش، شغل و درآمد، مورد تأکید و توجه قرار گرفته و وضعیت شرقی تبارها با دیگر بخشهای یهودی جامعه اسرائیل مقایسه شده است.

سر آغاز

اسرائیل را جامعه مهاجران خوانده‌اند، زیرا تا قبل از شروع مهاجرت‌های جمعی یهودیان به این سرزمین، از سال ۱۸۸۲ جمعیت یهودیان در این منطقه (فلسطین) تنها ۲۴ هزار نفر بوده است. (۱) طی حدود یک قرن، منطقه شاهد مهاجرت‌های گروهی یهودیان اروپایی، آسیایی، آفریقایی و نهایتاً مهاجرت یهودیان روسی بود به گونه‌ای که امروزه تقریباً یک

مجموعه ۵ میلیون نفری از یهودیان باملیت‌های متفاوت در این سرزمین زندگی می‌کنند. یهودیان اسرائیل، به لحاظ نژادی و قومی به دو گروه بزرگ جمعیتی تقسیم می‌شوند: یهودیان غربی تبار (اشکنازی) و گروه دیگر یهودیان شرقی تبار (سفاردی). یهودیان اشکنازی یهودیان فرانسه، آلمان، روسیه، اروپای شرقی و همه کسانی که از این کشورها به اسرائیل مهاجرت کرده‌اند و حتی فرزندان تولد یافته آنها در اسرائیل را شامل می‌شود. یهودیان شرقی یا سفاردی شامل یهودیان اسپانیا، پرتغال، شمال آفریقا، آسیا و خاورمیانه‌ای تبار می‌گردد. از نظر گویش و زبان، یهودیان شرقی اسرائیل در تلفظ برخی حروف و صداهای زبان عبری با اشکنازیه‌ها اختلاف دارند ولی از آنجا که در حال حاضر لهجه سفاردی و شرقی در اسرائیل عمومیت و رواج دارد، اشکنازیه‌ها نیز آن را پذیرفته و به همان لهجه صحبت میکنند، اما در خارج از اسرائیل، تفاوت زبانی بین دو گروه یادشده محسوس است. زبان یدیش* که مخلوطی از زبان عبری و آلمانی است و بسیاری آن را به عنوان زبان بین‌المللی یهودیان تلقی می‌کنند، در واقع زبان اصلی یهودیان اشکنازی است. زبان یهودیان شرقی معروف به لادینو** که از اختلاط زبانهای عبری و اسپانیایی به وجود آمده، زبان اصلی یهودیان سفاردی و شرقی تبار است.

طی قرون گذشته، یهودیان شرقی تبار به گواه تاریخ، در کشورهای مسلمان خاورمیانه، آسیا و آفریقا زندگی عادی و آرامی همچون دیگر شهروندان داشته‌اند. آنها به ویژه در امور مربوط به تجارت و خرید و فروش، آزادانه فعالیت می‌کردند. به همین خاطر تا قبل از اشغال فلسطین در سال ۱۹۴۸ و شروع جنگهای اعراب و اسرائیل که احساسات مذهبی و منطقه‌ای را بر ضد دولت صهیونیستی برانگیخت، یهودیان کشورهای آسیا و آفریقا،

* Yidish

** Ladino

ضرورتی در ترک محل سکونت خود و مهاجرت به اسرائیل یا حتی مناطق دیگر نمی‌دیدند. برخلاف یهودیان شرقی تبار، یهودیان ساکن در اروپا، از زمان فتح اسپانیا به دست لشکریان مسیحی در ۱۴۹۲ تا پایان جنگ جهانی دوم، موارد متعددی از فشارهای سیاسی و اجتماعی را در محیط خود مشاهده و برای نخستین بار گتو* را تجربه کرده بودند. (۲) البته شاید نتوان گفت در هیچ نقطه‌ای از آسیا، خاور میانه و کشورهای آفریقایی بر ضد یهودیان، اقدامات و اذیت و آزارهایی صورت نگرفته، ولی این اقدامات اولاً سازمان یافته و به شکل یک سیاست برنامه‌ریزی شده و متمرکز نبوده است و ثانیاً قابل مقایسه با میزان فشارهای وارده بر یهودیان توسط دولتهای مسیحی اروپا، به ویژه تا زمان انقلاب فرانسه در ۱۷۸۹ نیست.

پرداختن به شرایط زندگی اجتماعی و سیاسی یهودیان در دوره‌های قبل از تشکیل دولت اسرائیل خود یک بحث مستقل می‌طلبد ولی به طور خلاصه تا قبل از بروز اندیشه صهیونیسم در اواخر قرن ۱۹، شرایط زندگی اجتماعی یهودیان در کشورهای اسلامی، آسیا و آفریقا به گونه‌ای نبود که یهودیان مقیم این کشورها، سکونت در فلسطین را به هر قیمتی، جزء آمال و آرزوهای خود محسوب کنند. فلسطین و کوه «صهیون» در بیت‌المقدس، همچون مکه و مدینه برای مسلمانان، یک قبله‌گاه و سمبل معنوی بود که یهودیان، نیایشهای خود را به سمت آن انجام می‌دادند و هر از چندی برای زیارت و تبرک و توسل به فلسطین رفته، سپس به کشورهای خود باز می‌گشتند. اندیشه ضرورت اقامت دائمی در فلسطین، تا قبل از ظهور صهیونیسم به چشم نمی‌خورد. همچنان که مسلمانان یا مسیحیانی که همه ساله برای زیارت به اماکن مقدس اسلامی و مسیحی می‌روند به ندرت در اذهان خود فکر ضرورت اقامت دائمی در آن اماکن را به ویژه از طریق اشغال و

* Ghetto

غصب سرزمین همدار سر می پروراند. به همین دلیل، میزان مهاجرت جمعی و سازمان یافته یهودیان شرقی به فلسطین، به ویژه قبل از تشکیل دولت اسرائیل، اندک بوده است. با توجه به پیشینه های تاریخی، ایده و اهداف صهیونیسم در اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم، در حالی که شور و حرارت خاصی را در یهودیان اروپا ایجاد کرده و آنها را به مهاجرت و اقامت در فلسطین برمی انگیزد، از طرف یهودیان کشورهای آسیا و آفریقا با سردی و بی تفاوتی روبرو شده بود. دعوت جنبش صهیونیسم از یهودیان برای تشکیل یک دولت مرکزی در فلسطین و ضرورت مهاجرت به این سرزمین در اروپا و غرب - به دلیل رهایی از فشارهای متعددی که علیه یهودیان اعمال می شد - طرفداران خود را پیدا کرد. اما این موضوع، در بین یهودیان شرقی نه تنها مورد استقبال قرار نگرفت، بلکه آنها را نسبت به حوادث احتمالی آینده و برهم خوردن آرامش و زندگی عادی شان در کشورهای منطقه و آسیا و آفریقا به شدت نگران ساخت. (۳) از سال ۱۹۱۹ تا ۱۹۴۸ یعنی زمان تأسیس دولت اسرائیل، با تمام سرمایه گذارهای فرهنگی و تبلیغاتی صهیونیسم در کشورهای شرقی، تنها ۴۵ هزار نفر یهودی از آسیا و آفریقا به فلسطین مهاجرت کردند؛ در همین فاصله زمانی، تقریباً ۳۸۵ هزار یهودی از کشورهای اروپا و آمریکا وارد فلسطین شده بودند. (۴) ترکیب جمعیتی یهودیان مهاجری که به صورت جمعی در سالهای قبل از تشکیل دولت اسرائیل به این سرزمین آمدند، گواه مناسبی است بر این واقعیت که برنامه های صهیونیسم برای تشکیل یک دولت قومی در فلسطین چندان مورد استقبال یهودیان شرقی قرار نگرفته بود. سهم یهودیان شرقی از کل مهاجرت در سالهای قبل از ۱۹۴۸ معادل ۱۰/۴ درصد و سهم یهودیانی که از اروپا و آمریکا به اسرائیل آمده بودند ۸۹/۶ درصد می باشد. جدول زیر روند مهاجرت یهودیان از کشورهای آسیا، آفریقا، اروپا و آمریکا را نشان می دهد.

جدول شماره ۱- روند مهاجرت یهودیان به فلسطین

دوره زمانی مهاجرت	آسیا	آفریقا	اروپا	آمریکا و اقیانوسیه
۱۹۱۹-۱۹۲۳ میلادی	۱۱۸۱ نفر	۲۳۰ نفر	۲۷۸۷۲ نفر	۶۷۸ نفر
۱۹۲۴-۱۹۳۱	۹۱۸۲	۶۲۱	۶۶۹۱۷	۲۲۴۱
۱۹۳۲-۱۹۳۸	۱۶۲۷۲	۱۲۱۲	۱۷۱۱۷۳	۴۵۸۹
۱۹۳۹-۱۹۴۵	۱۳۱۱۶	۱۰۷۲	۶۲۹۶۸	۱۰۸
۱۹۴۶-۱۹۴۸	۱۱۴۴	۹۰۶	۴۸۴۵۱	۱۳۸
جمع کل	۴۰۸۹۵	۴۰۴۱	۳۷۷۳۸۱	۷۷۵۴

Source: Statistical Abstract of Israel, 1996, Vol. 47, p 146.

حضور گسترده یهودیان غربی در فلسطین، ایجاد مؤسسات و سازمانهای مختلف یهودی، احداث کیبوتص‌ها و موشاوها و سایر اقداماتی که مقدمات تأسیس دولت اسرائیل بودند همگی در همین دوران و توسط یهودیان غربی تازه مهاجر در این سرزمین پایه‌ریزی شد، اما حضور یهودیان شرقی با تأخیر و دقیقاً در زمانی صورت گرفت که نهادها و بخشهای مختلف دولت قومی، شکل اصلی خود را پیدا کرده بود. به همین خاطر، یهودیان غربی در اسرائیل خود را پیشگامان* و مؤسسان کشور و دولت می‌دانند و به نظر می‌رسد حتی پس از گذشت چند دهه از آن روزگار، نقطه نظرات و پیشداوریهای منفی و ذهنیت خود را درباره یهودیان شرقی به سختی می‌توانند فراموش کنند. این تفاوت در توزیع القاب، افتخارات، اولویتها، سرمایه‌گذاریه‌ها، امکانات و... کاملاً محسوس است. در واقع، یکی از ریشه‌های قشربندی و شکاف طبقاتی امروز جامعه اسرائیل را باید در حوادث مربوط به آن دوران جستجو کرد. پس از اشغال فلسطین و تشکیل دولت

*Pioneers

اسرائیل مهاجرت یهودیان از کشورهای عربی، آسیایی و آفریقایی شروع می‌شود و در دهه‌های ۵۰ و ۶۰ شدت می‌گیرد. گرچه مجموعهٔ سران صهیونیسم و رهبران اسرائیل به لحاظ سیاسی و ایدئولوژیک، اعتماد چندانی به یهودیان شرقی نداشتند، اما «جمعیت» و حضور فیزیکی شرقی تبارها عاملی مفید در جهت تثبیت قلمرو نوپای اسرائیل محسوب می‌شد. حضور آنان در نواحی تازه اشغال شده به ویژه در نقاط خالی از سکنه اصل عمده در اسکان سفاردی‌ها در این سرزمین بود تا حاکمیت سیاسی اسرائیل را تقویت کند. حال چندان مهم نبود که در خیمه واردو گاه باشند یا در روستاهای عربی اشغال شده یا در محله‌های شهری که صاحبان فلسطینی آنها را مجبور به ترک کرده بودند، اسکان یابند.

جمعیت و خانواده

آمار مهاجران یهودی که از کشورهای آسیا و آفریقا به اسرائیل آمده‌اند، در سالهای اولیه پس از تأسیس، سیر صعودی فوق‌العاده‌ای را نشان می‌دهد. پس از تشکیل دولت در سال ۱۹۴۸ و تا سال ۱۹۵۱ سهم شرقی تبارها در مهاجرت به اسرائیل، به رقم ۵۰ درصد و تا سال ۱۹۵۴ به رقم ۷۶ درصد افزایش یافت، در حالی که قبل از ۱۹۴۸ سهم آنان تنها ۱۰/۴ درصد بود. بیشترین مهاجرت شرقی تبارها به اسرائیل در همین سالها (از ۱۹۴۸ تا ۱۹۵۴) صورت گرفته است. پس از این دوره، روند مهاجرت شرقیها کاهش یافت و در سالهای ۶۰-۱۹۵۸ به کمتر از ۴۰ درصد رسید، اما در اواسط دهه ۶۰ دوباره سیر صعودی گرفت و به حدود ۶۰ درصد رسید. (۵) می‌توان گفت از اواخر دهه ۶۰ سیر نزولی مهاجران شرقی تبار یهودی به اسرائیل آغاز شد، گرچه بعضاً در اواسط دهه ۸۰ این روند نزولی نوساناتی را به خود دیده است.

مسأله مهاجرت و نرخ زاد و ولد شرقی تبارها، همواره دو عنصر مهمی بوده که جایگاه و سهم جمعیتی یهودیان آسیایی و آفریقایی را در جامعه اسرائیل، طی دوره‌های زمانی

مختلف ترسیم کرده است. سهمی که یهودیان شرقی در جمعیت کل یهودیان اسرائیل داشته‌اند، طی دوره‌های زمانی مختلف یکسان نبوده است. در سال ۱۹۶۱ یهودیان شرقی تبار در اسرائیل ۴۳/۵ درصد از جمعیت یهودیان را تشکیل می‌دادند. در سال ۱۹۷۲ سهم جمعیتی آنان در جامعه یهودی، به ۵۰ درصد، در سال ۱۹۸۳ به ۵۰/۵ درصد و در سال ۱۹۸۸ به ۵۱/۶ درصد رسید. اما پس از مهاجرت انبوه یهودیان روسی به اسرائیل در اوایل دهه ۹۰- یهودیان روسی جزو یهودیان اروپایی و غربی محسوب می‌شوند- سهم جمعیتی یهودیان شرقی کاهش یافت و به ۴۷/۳ درصد کل جامعه یهودی اسرائیل رسید. (۶) امروزه یهودیان شرقی تبار تقریباً ۴۷ درصد یهودیان و ۳۹ درصد کل جمعیت اسرائیل را تشکیل می‌دهند. به گزارش مرکز آمار اسرائیل در پایان سال ۱۹۹۶ در حدود ۲/۲ میلیون نفر یهودی شرقی تبار اعم از متولدین خارج یا داخل، در این کشور ساکن بوده‌اند که مجموعه‌ای شامل ۱۳ طایفه و گروه جمعیتی را تشکیل می‌دهند. جدول زیر پراکندگی اقوام و ملیتهای گوناگون در اسرائیل را به خوبی نشان می‌دهد: (۷)

■ جدول شماره ۲- توزیع جمعیتی یهودیان شرقی تبار در اسرائیل (پایان سال ۱۹۹۶)

گروه جمعیتی	تعداد	گروه جمعیتی	تعداد	گروه جمعیتی	تعداد
مراکشی‌ها	۷۰۰ هزار نفر	ترکیه‌ای‌ها	۱۱۶ هزار نفر	اتیوپیایی‌ها	۷۰ هزار نفر
عراقی	۳۵۴ هزار نفر	لیبی	۱۰۴ هزار نفر	هند و پاکستانی	۵۸ هزار نفر
یمنی	۲۲۲ هزار نفر	مصری	۸۵ هزار نفر	متعلق به کشورهای متفرقه آفریقایی	۲۱ هزار نفر
ایرانی	۱۸۵ هزار نفر	متعلق به سایر کشورهای آسیا	۸۰ هزار نفر		

مشخصات کلی خانواده‌های یهودی شرقی تبار، که عمدتاً از کشورهای اسلامی آسیایی و آفریقایی به اسرائیل مهاجرت کرده‌اند، تا حدود زیادی شبیه به فرهنگ خانواده در کشورهای مبدأ خود می‌باشد. اکثریت این خانواده‌ها از نوع خانواده گسترده (شامل سه نسل در خانواده)، درون همسر، پدر مکان و پدر تبار می‌باشند. در ابتدای ورود به اسرائیل و تا سالها بعد از آن، در این خانواده‌ها، بر فرزندزایی و زاد و ولد تأکید می‌شود. بر اساس داده‌های مرکز آمار اسرائیل، در سال ۱۹۷۰ میانگین نرخ باروری در مادران یهودی آسیایی تبار اسرائیل ۴/۰۷ فرزند، ولی در مادران اروپایی تبار ۲/۸۴ فرزند بوده است. با استقرار و حضور در اسرائیل طی سالهای بعد، این تفاوت کمتر شده و ارقام به یکدیگر نزدیک شده‌اند اما باز هم تفاضل نرخ زاد و ولد ملموس است. به گزارش مرکز آمار اسرائیل، در سال ۱۹۹۶ میانگین نرخ باروری برای زنان یهودی آفریقایی، آسیایی و اروپایی تبار به ترتیب ۳/۲۴، ۳/۰۹، ۲/۰۹ فرزند بوده است. هنوز هم خانواده‌های شرقی تبار به ویژه آفریقایی تبارها، خانواده‌های پرجمعیت تری را نسبت به سایر یهودیان تشکیل می‌دهند. در این جوامع، سن ازدواج، نسبتاً پایین است و تأکید قابل توجهی بر پاکدامنی زنان قبل از ازدواج وجود داشته و دارد. تقسیم کار و تقسیم نقش بین زنان و مردان رایج است. ازدواج بین خویشاوندان نزدیک یا ازدواج درون همسری* ترجیح داده می‌شود، زیرا پیوند خویشاوندی را محکم می‌کند و در خانواده‌های شرقی بر علایق و وابستگی‌های متقابل خانوادگی تأکید می‌شود. عامل اصلی در انتخاب همسر، پایگاه خانوادگی است که با توجه به ثروت، درآمد، سطح آموزش و ویژگیهای اخلاقی ارزیابی می‌شود. زوجین پس از ازدواج نیز معمولاً مورد حمایت پدر و مادرها قرار می‌گیرند. اگر سرپرست خانواده در یافتن شغل و درآمد مناسب توفیقی نیابد، غالباً همسرش به کار و فعالیت در خانه‌های مردم می‌پردازد تا به مخارج زندگی کمک کند، اما در این خانواده‌ها از اعتبار و اقتدار مرد کاسته می‌شود. به

* Endogamy

عقیده برخی هنوز ۴۵ درصد از مادران در خانواده‌های شرقی تبار اسرائیل، بی‌سوادند. (۸) البته شدت و ضعف رواج ویژگی‌های سنتی فوق‌الذکر در بخش‌های مختلف جامعه یهودیان شرقی تبار، متفاوت از یکدیگر است به عنوان مثال در یهودیان یمنی، بر این الگوها بیشتر پافشاری می‌شود در حالی که در بین خانواده‌های مراکشی، حرکت به سمت پذیرش الگوهای فرهنگ غربی است، در خانواده‌های یهودی عراقی تبار به دلیل سطح تحصیلات، الگوهای سنتی فوق‌الذکر کم‌رنگ شده‌اند. دو جدول زیر میانگین تعداد اعضای خانواده در گروه‌های مختلف نژادی اسرائیل در سال ۱۹۹۵ را نشان می‌دهد.

■ جدول شماره ۳- میانگین بعد خانوار گروه‌های نژادی جامعه اسرائیل (سال ۱۹۹۵)

گروه‌های نژادی و مذهبی	میانگین بعد خانوار (به نفر)
یهودیان متولد آسیا	۳/۲۷
یهودیان متولد آفریقا	۳/۷۵
یهودیان متولد اروپا و آمریکا	۲/۸۰
عرب‌های مسلمان	۵/۵۴
عرب‌های مسیحی	۳/۸۴
دروزی‌ها	۴/۵۲

Statistical Abstract of Israel, 1996, "Population".

■ جدول شماره ۴- نسبت خانوارهای یک تا هفت نفره در گروه‌های نژادی جامعه اسرائیل سال ۱۹۹۵

گروه‌های نژادی	نفره ۱	نفره ۲	نفره ۳	نفره ۴	نفره ۵	نفره ۶	نفره ۷ و بالاتر
یهودیان متولد آسیا	٪۲۰	٪۲۵/۲	٪۱۳	٪۱۳/۲	٪۱۵/۶	٪۸/۴	٪۴/۷
یهودیان متولد آفریقا	٪۱۷/۲	٪۱۷/۷	٪۱۱/۱	٪۱۵/۹	٪۱۸/۴	٪۱۰/۸	٪۹
یهودیان متولد اروپا و آمریکا	٪۲۲/۸	٪۳۰/۸	٪۱۵/۵	٪۱۵/۷	٪۹/۵	٪۳/۴	٪۲/۴
عرب‌های اسرائیل	٪۵/۷	٪۱۰/۲	٪۱۱	٪۱۶	٪۱۶/۶	٪۱۴/۸	٪۲۵/۷

آموزش و تحصیلات

آموزش و تحصیلات یکی از شاخصهای مهم اجتماعی، فرهنگی و از مؤلفه‌های اساسی سنجش پایگاه اجتماعی یک قشر، قوم، طبقه و... محسوب می‌شود. بدین لحاظ در این قسمت از نوشتار، وضعیت آموزشی یهودیان شرقی تبار مورد بررسی اجمالی قرار خواهد گرفت.

الف- وضعیت آموزش در مهاجران شرقی که در دوره‌های زمانی مختلف به اسرائیل آمده‌اند.

ب- مقایسه وضعیت تحصیلی بین شرقی تبارها، غربی تبارها و سابرها (۹) در اسرائیل

الف: وضع تحصیلات و سواد به تفکیک دوره مهاجرت

یهودیان شرقی تباری که در سالهای اولیه پس از تشکیل دولت و تا قبل از ۱۹۶۰ به اسرائیل آمده‌اند، از سطح آموزشی ضعیفی برخوردار بوده‌اند. بر اساس داده‌های مرکز آمار اسرائیل، در گروه فوق‌الذکر (شرقی تبارهایی که طی سالهای ۱۹۴۸ تا ۱۹۶۰ به اسرائیل آمدند) ۲۱/۲ درصد بی‌سواد و یا کم‌سواد، ۲۷/۷ درصد در حد سواد دوره راهنمایی، ۳۷/۴ درصد تحصیلات متوسطه و دیپلم، ۸/۵ درصد دانشجوی و نهایتاً ۵/۲ درصد دارای تحصیلات لیسانس و بالاتر بوده‌اند. (۱۰) بر این اساس، حدود ۸۳/۶ درصد از مهاجران شرقی تبار سالهای قبل از ۱۹۶۰- که در حدود نیم‌میلیون نفر بوده‌اند- (۱۱) تحصیلات دیپلم و زیر دیپلم داشته‌اند. در گروه بعدی (شرقی تبارهایی که بین سالهای ۱۹۶۱ تا ۱۹۶۴ به اسرائیل آمده‌اند و جمعیتشان در حدود ۱۳۵ هزار نفر بوده) نیز وضعیت آموزشی بدین شرح است: ۱۵/۲ درصد بی‌سواد و کم‌سواد، ۱۵/۹ درصد دارای تحصیلات دوره راهنمایی، ۴۹/۱ درصد تحصیلات دبیرستانی و دیپلم، ۱۲/۵ درصد دانشجوی و ۶/۹ درصد

لیسانس و بالاتر (۱۲) بدین ترتیب، در مهاجران شرقی سالهای ۱۹۶۱ تا ۱۹۶۴، حدود ۸۰/۶ درصد، دیپلمه یا زیر دیپلم هستند، اما تفاوت آنها با گروه قبل آن است که اولاً تعداد بی سوادان و کم سوادان گروه اخیر کمتر و ثانیاً تعداد دیپلمه های آنان بطور محسوسی از گروه اول بیشتر است. گروه بعدی، شرقی تبارهایی هستند که در فاصله زمانی ۱۹۶۵ تا ۱۹۷۴ به اسرائیل آمده اند. در این گروه با جمعیتی حدود ۸۵ هزار نفر، ۹/۳ درصد بی سواد یا کم سواد، ۱۴/۸ درصد دارای تحصیلات دوره راهنمایی، ۵۳/۵ درصد دارای تحصیلات دبیرستانی و دیپلم، ۱۳/۹ درصد دانشجو و نهایتاً ۱۱/۲ درصد لیسانس و بالاتر بوده اند. نتیجه این که در گروه سوم از مهاجران شرقی تبار که عمدتاً از کشورهای شمال آفریقا به اسرائیل آمده اند، اولاً بی سواد و کم سواد اندک بوده است و ثانیاً افراد دیپلمه و بالاتر از دیپلم، مجموعاً رقم قابل توجهی (۶۱/۶ درصد) را تشکیل داده بودند. گروه چهارم شرقی تبارهایی هستند که از ۱۹۷۵ تا ۱۹۷۹ به اسرائیل آمده اند. در این گروه که جمعیتشان در حدود ۱۸ هزار نفر بوده بی سوادان و کم سوادان ۸/۳ درصد، تحصیلات دوره راهنمایی ۱۰/۸ درصد، تحصیلات دبیرستانی و دیپلم ۴۰ درصد، دانشجو و فوق دیپلم ۱۹/۲ درصد و نهایتاً ۲۱/۷ درصد را لیسانس و بالاتر تشکیل می دادند. (۱۳) بر این اساس، گروه اخیر گرچه جمعیتشان نسبت به گروههای قبلی کمتر بوده ولی به لحاظ آموزشی، از بالاترین سطح آموزشی برخوردارند چرا که در حدود ۸۱ درصد آنها تحصیلات متوسطه، دیپلم و بالاتر داشته اند.

گروه پنجم شرقی تبارهای مهاجر دهه ۸۰ هستند. در این گروه - که جمعیت آنها در حدود ۳۷ هزار نفر (۱۴) است - ۲۳/۷ درصد بی سواد و کم سواد، ۱۳/۱ درصد تحصیلات دوره راهنمایی، ۴۱/۴ درصد تحصیلات دبیرستانی و دیپلم، ۱۳/۴ درصد دانشجو و فوق دیپلم و نهایتاً ۸/۴ درصد لیسانس یا بالاتر بوده اند. بدین ترتیب، در این گروه از مهاجران شرقی که بخش قابل توجهی از آنها را اتیوپیایی ها تشکیل می دادند، سطح آموزش رو به

پایین دوباره نمایان می‌شود. در گروه آخر، یا مهاجران دهه ۹۰، که تعداد آنان تا آخر سال ۱۹۹۶ در حدود ۳۸ هزار نفر بوده است، (۱۵) وضعیت آموزشی بسیارضعیفی دیده می‌شود. از این گروه ۴۱/۶ درصد را بی‌سوادان و کم‌سوادان، ۱۲/۵ درصد تحصیلات دوره راهنمایی، ۲۹/۲ درصد تحصیلات دبیرستانی و دیپلم، ۹/۴ درصد دانشجویان فوق دیپلم و نهایتاً ۷/۳ درصد را افراد لیسانس و بالاتر تشکیل می‌دهند. بدین ترتیب، ضعیفترین سطح آموزش را مهاجران شرقی تبار سالهای ۱۹۹۰ تا ۱۹۹۶ داشته‌اند. براساس مطالبی که قبلاً بدانها اشاره شد، شاخصه اصلی سیمای آموزش شرقی تبارهای اسرائیلی را مهاجران قبل از ۱۹۷۰ تشکیل می‌دهند که جمعیتی بالغ بر ۷۰۰ هزار نفر داشته و به طور کلی از وضعیت آموزشی مناسبی برخوردار نبوده‌اند.

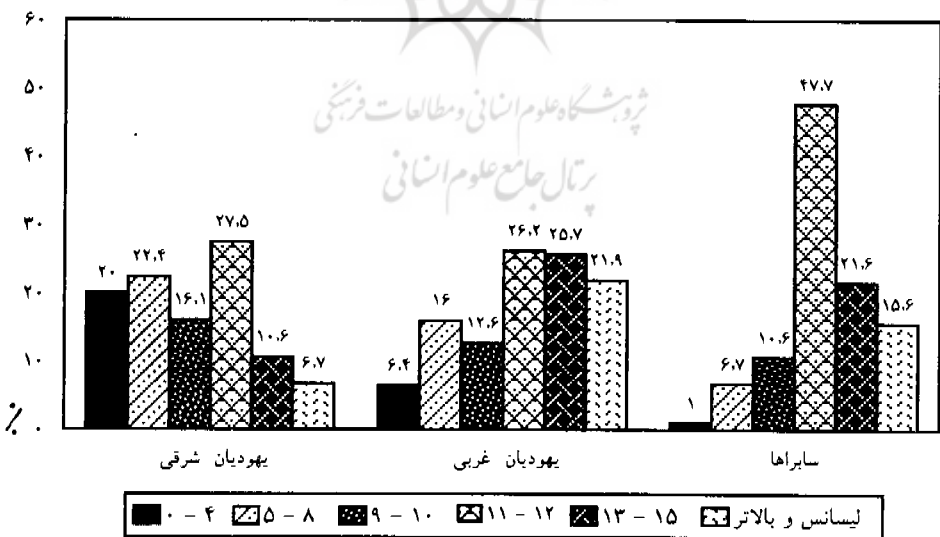
ب: مقایسه میان وضعیت تحصیلی شرقی تبارها با دیگران

در سطور قبل وضعیت تحصیلی و آموزشی مهاجران شرقی تباری که در دوره‌های زمانی مختلف به اسرائیل آمده بودند بطور اجمالی تشریح گردید. در این بخش وضعیت و جایگاه آموزشی فعلی شرقی تبارها با گروه‌های عمده دیگر (یهودیان غربی تبار و یهودیان سابرا) مقایسه می‌شود تا شناخت بهتری از موقعیت تحصیلی شرقی تبارها در اسرائیل به دست آید. سطح آموزش و تحصیلات در یک طبقه، گروه و قشر می‌تواند بر نوع شغل، سطح درآمد، فرصتهای زندگی و شرایط اجتماعی تأثیر زیادی بگذارد. بدین منظور و به صورت نمونه، از بین سالهای اخیر، سال ۱۹۹۶ انتخاب و آمارهای مورد نیاز در مورد سطح آموزش افراد ۱۵ ساله و بالاتر یهودی، به تفکیک گروه‌های نژادی استخراج شده است. * این آمارها نشان می‌دهد، سطح آموزشی یهودیان شرقی تبار از دو گروه نژادی دیگر به شکل محسوسی پایین‌تر است. مجموع یهودیان شرقی تبار ۱۵ سال به بالایی که در سال

* عمده آمارهای این بخش، از سایتهای اینترنتی مختلف گردآوری شده است.

۱۹۹۶ در اسرائیل زندگی می کرده اند، به لحاظ سطح آموزش و سنوات تحصیلی وضعیتی بدین شرح داشته اند: ۲۰ درصد بی سواد و کم سواد، ۲۲/۴ درصد تحصیلات راهنمایی، ۴۳/۶ درصد تحصیلات دبیرستانی و دیپلم، ۱۰/۶ درصد دانشجو یا فوق دیپلم و تنها ۶/۷ درصد افراد دارای لیسانس یا مدارک تحصیلی بالاتر. در همین حال وضعیت آموزشی و تحصیلی یهودیان غربی تبار ۱۵ ساله به بالا در سال ۱۹۹۶ بدین شرح بوده است: ۶/۴ درصد بی سواد و کم سواد، ۱۶ درصد تحصیلات دوره راهنمایی، ۳۸/۸ درصد تحصیلات دبیرستانی و دیپلم، ۲۵/۷ درصد دانشجو و ۲۱/۹ درصد لیسانس و بالاتر. (۱۶) در همین حال وضعیت آموزشی یهودیان سابرا و ۱۵ ساله به بالایی که در سال ۱۹۹۶ در این کشور زندگی می کرده اند بدین شرح بوده است: ۰/۶ درصد بی سواد یا کم سواد، ۶/۷ درصد تحصیلات دوره راهنمایی، ۵۸/۳ درصد تحصیلات دبیرستانی و دیپلم، ۲۱/۶ درصد دانشجو و یا فوق دیپلم و نهایتاً ۱۵/۶ درصد دارای تحصیلات لیسانس و بالاتر. نمودار زیر با استفاده از آمارهای ذکر شده ترسیم شده است:

نمودار شماره ۱ - سطح تحصیلات گروههای نژادی ۱۵ سال به بالا در اسرائیل ۱۹۹۶

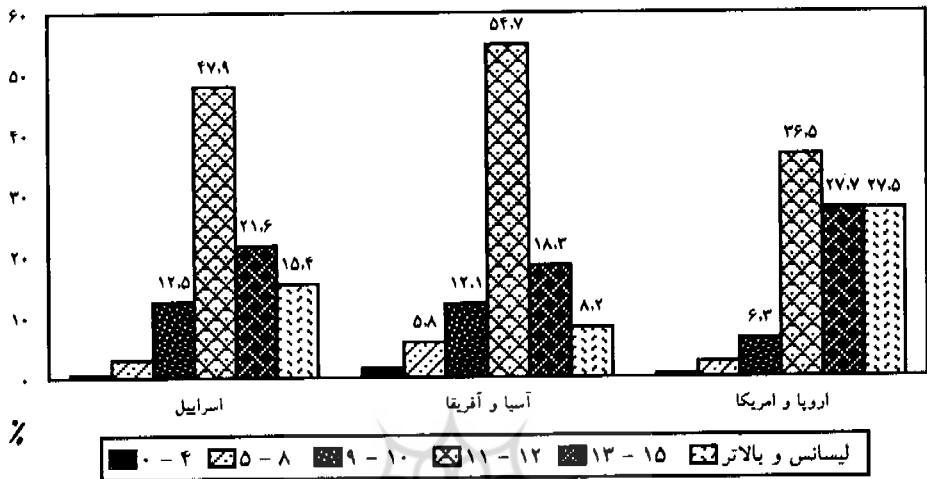


با توجه به نمودار فوق ملاحظه می‌شود میزان بی‌سوادان و کم‌سوادان یعنی کسانی که بین صفر تا ۴ سال تحت تعلیم و آموزش مدرسه‌ای قرار گرفته‌اند در بین شرقی تبارها ۲۰ درصد، یعنی حدود ۳ برابر میزان بی‌سواده‌ها و کم‌سواده‌های غربی تبارها و سابراه‌هاست. در رابطه با تحصیلات دوره راهنمایی، یهودیان شرقی بیشتر از یهودیان غربی و سابراه‌ها سهم دارند، اما هر چه میزان تحصیلات بالاتر در نظر گرفته شود، شکاف سطح آموزش بین شرقی‌ها با دیگر طبقات جامعه یهودی نمایان‌تر می‌شود. در حالیکه ۱۰/۶ درصد از یهودیان شرقی اسرائیل در سال ۱۹۹۶ دانشجو یا فوق دیپلم بوده‌اند، این رقم در یهودیان غربی تبار ۲۵/۷ درصد یعنی دو برابر و نیم، بیشتر از شرقی‌ها بوده است. در سابراه‌ها نیز با ۲۱/۶ درصد، تعداد افراد شاغل به تحصیلات دانشگاهی، بیش از دو برابر شرقی تبارهاست. در مدارج تخصصی و تحصیلات تکمیلی مانند لیسانس، و فوق لیسانس و دکتری در سال ۱۹۹۶ تنها ۶/۷ درصد از یهودیان شرقی حضور داشتند، در حالی که این رقم برای یهودیان غربی ۲۱/۹ درصد و برای سابراه‌ها ۱۵/۶ درصد بوده است. به عبارت دیگر، حضور یهودیان شرقی در بین متخصصین لیسانس و بالاتر، کمتر از نصف حضور سابراه‌ها و کمتر از ثلث حضور یهودیان غربی است. در نتیجه، فاصله آموزشی میان شرقی تبارها و دیگر گروه‌های جامعه یهودی اسرائیل همچنین ملموس و قابل رؤیت است. بر خورداری از تحصیلات مناسب، به اضافه برخی عوامل دیگر، یهودیان غربی و سابراه‌ها را در کسب و نگهداری اهرم‌های کلیدی قدرت و اقتصاد کشور کمک فراوانی کرده است. مقایسه وضعیت تحصیلی طبقات سه‌گانه یهودی در اسرائیل طی سال‌های اخیر، نشان می‌دهد که تغییر محسوسی در سطح آموزش شرقی تبارها نسبت به گذشته و ابتدای ورودشان به چشم نمی‌خورد. البته شاید در رابطه با میزان بی‌سوادی یا تحصیلات ابتدایی و راهنمایی و زیر دیپلم، وضعیت آنها تا حدودی بهتر شده باشد، اما در زمینه تحصیلات تخصصی و آکادمیک که می‌تواند موجب

افزایش قابلیت این افراد برای ورود به بازار کار شود، هنوز فاصله زیادی میان آنها و یهودیان غربی و سابراه‌ها ملاحظه می‌شود.

بررسی داده‌ها و ارقام نشان می‌دهد وضعیت نسل دوم یهودیان شرقی تبار به لحاظ سطح آموزش، تا حدودی نسبت به پدرانشان بهتر شده است، اما این بهبود در زمینه تحصیلات دانشگاهی و تخصص، کمتر از تحصیلات دبیرستانی و دیپلم بوده است. به عنوان مثال در سال ۱۹۹۶ در حدود ۶۶/۸ درصد از نسل دوم شرقی تبار تحصیلات دبیرستانی یا دیپلم داشته‌اند. همچنین در همین سال ۱۸/۳ درصد از شرقی‌های نسل دوم، دانشجوی یا فوق دیپلم بوده و ۸/۲ درصد از آنها نیز تحصیلات در سطح لیسانس یا بالاتر داشته‌اند. (۱۷) این در حالی است که تمرکز یهودیان غربی نسل دوم، در تحصیلات مقاطع دانشگاهی و تکمیلی است. در سال ۱۹۹۶ غربی‌های نسل دوم ۲۷/۷ درصد دانشجوی و ۲۷/۵ درصد تحصیلات لیسانس یا بالاتر داشته‌اند. در سابراه‌ها نیز تمرکز قابل توجهی در تحصیلات دانشگاهی و تکمیلی دیده می‌شود. در سال مورد نظر ۲۱/۶ درصد از سابراه‌های نسل دوم، دانشجوی و ۱۵/۴ درصد از آنها دارای تحصیلات لیسانس و بالاتر بوده‌اند. بدین ترتیب، نسل دوم (فرزندان یهودیان شرقی) در زمینه تحصیلات دیپلم و حد دیپلم بالاتر از دو گروه دیگر، اما در زمینه تحصیلات تخصصی و آکادمیک پایین‌تر از دو گروه دیگر قرار دارند. این پدیده سالهاست که موجب تقلیل سهم شرقی تبارها در بازار کار تخصصی و تکنولوژیک اسرائیل و بالتبع فقدان کسب درآمد و موقعیتهای مناسب اقتصادی، اجتماعی و سیاسی گردیده است. به منظور امکان مقایسه بهتر و جزئی‌تر، ارقام و داده‌های اخذ شده از مرکز آمار اسرائیل به صورت نمودار صفحه بعد تنظیم و ارائه شده است:

نمودار شماره ۲ - سطح تحصیلات یهودیان متولد اسرائیل ۱۵ سال به بالا به تفکیک محل تولد پدران آنها



لازم به ذکر است آمار و ارقامی که به طور رسمی منتشر می شود، به ویژه در مواردی که نقاط منفی یا اختلاف طبقاتی را به تصویر می کشد، معمولاً با ملاحظه و در نظر گرفتن احتیاطات و ملاحظات صورت می گیرد و به نظر می رسد ارقام واقعی و حقیقی، حاکی از فاصله آموزشی جدی تری بین شرقی تبارها و دیگر بخشهای جامعه یهودی باشد. این موضوع را در اظهارات کارشناسان تعلیم و تربیت اسرائیل می توان دریافت. به عنوان نمونه، رئیس دپارتمان مطالعات اجتماعی دانشگاه «بار ایلان» طی گفتگویی با روزنامه «یدیعوت احرونوت» در این باره چنین اظهار نظر کرده است:

«آموزش و پرورش در اسرائیل هنوز و پس از گذشت تقریباً پنجاه سال

از تأسیس دولت، به صورت یک مسأله اقتصادی و طبقاتی مطرح است و هر کس پول بیشتری دارد می‌تواند از آموزش بهتری برخوردار شود. یکی از ملاکهای روشن در این زمینه آن است که هنوز هم همه ساله میزان مشارکت دانش‌آموزان شرقی تبار در امتحانات پایان دوره تحصیلات متوسطه یا بگروت* (دیپلم) بسیار کمتر از شرکت‌کنندگان غربی تبار است. شکافهای آموزشی در سطح دبیرستان و در سطوح دانشگاهی نه تنها کاهش نیافته، بلکه روز بروز ابعاد وسیعتری پیدا کرده است. اگر بحران مستمر بیکاری در شهرهای در حال توسعه (محل سکونت شرقی تبارهای اسرائیل) ادامه یابد، شکاف آموزشی بین شرقی تبارها و کل جامعه یهودی بیشتر از گذشته خواهد شد.» (۱۸)

یکی از مسؤولین ارشد وزارت آموزش و پرورش اسرائیل به نام پروفوسور «عوزیر شیلد» ضمن اعتقاد به اینکه شکافهای آموزشی بین یهودیان شرقی و غربی کاهش نیافته تصریح می‌کند:

«در سال ۱۹۹۶، از کل جوانان ۲۰ الی ۲۹ ساله آسیایی و آفریقایی تبار ساکن در اسرائیل، فقط ۴/۷ درصد در دانشگاههای کشور مشغول تحصیل بوده‌اند در حالی که این رقم در یهودیان اروپایی و آمریکایی تبار ۱۴/۹ درصد یعنی ۳ برابر بیشتر از شرقی تبارها بوده است.» (۱۹)

وی اضافه می‌کند در سال ۹۶ تنها ۲۰/۸ درصد از دانش‌آموزان شرقی تبار با موفقیت امتحانات بگروت را پشت سر گذاشتند در حالیکه این موفقیت در دانش‌آموزان غربی تبار ۵۱/۱ درصد بوده است. پروفوسور شیلد در گفتگو با «یدیעות احرونوت» و ذکر آمارهای دیگری از این قبیل نتیجه می‌گیرد که چنین شاخصهایی، نشانگر مساوات و برابری

در جامعه نیست. (۲۰)

نتیجه اینکه با مقایسه آمار و ارقام موجود می‌توان دریافت، یهودیان شرقی تبار اعم از نسل اول و دوم و... هنوز هم به ویژه در سطح آموزشهای تخصصی و تحصیلات تکمیلی، نسبت به گروههای اجتماعی دیگر جامعه یهودی اسرائیل به شکل محسوسی عقب‌تر هستند و این عقب ماندگی تخصصی هنوز استمرار دارد و تأثیرات منفی آن، در وضعیت اشتغال و کسب درآمد شرقی تبارها کاملاً ملموس است. از طرف دیگر، ثبات و تداوم عقب ماندگی آموزشی و پذیرش آن توسط مقامهای دولتی، در نسلهای اول و دوم شرقی تبار می‌تواند بیانگر عدم وجود برنامه‌ریزی جدی آموزشی در نظام تعلیم و تربیت برای از بین بردن فواصل آموزشی باشد.

اشتغال و درآمد

در این بخش به جایگاه شغلی و میزان مشارکت یهودیان شرقی در بازار کار اسرائیل اشاره می‌شود و ابتدا برخی ویژگیهای اساسی اشتغال را در نسل اول مهاجران شرقی تبار و سپس همین ویژگیها در نسل دوم مورد بررسی قرار می‌گیرد. در انتهای بحث نیز مقایسه میان آنها و مهاجران نسل اول و دوم غربی تبار صورت می‌گیرد. لازم به ذکر است بنا به گزارش رسمی اداره مرکزی آمار، در پایان سال ۱۹۹۶ در حدود ۲/۲ میلیون نفر نیروی کار در مشاغل مختلف غیر نظامی این کشور مشغول به کار بوده‌اند.

الف: میزان مشارکت در بازار کار

برای سهولت بیشتر، ابتدا مهاجران شرقی تبار نسل اول یعنی متولدین آسیا و آفریقا در سه دسته زیر مورد بررسی قرار می‌گیرند:

الف- مهاجران شرقی تا سال ۱۹۶۰

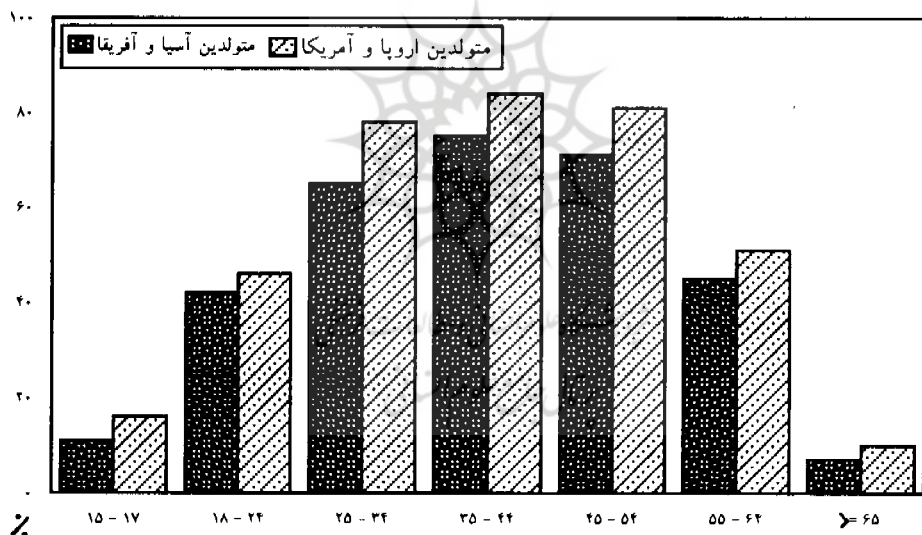
ب- مهاجران شرقی سالهای ۱۹۶۱، ۱۹۷۴

پ- مهاجران شرقی سالهای ۱۹۷۵ تا ۱۹۹۶

در پایان سال ۱۹۹۶ مجموع یهودیان شرقی تبار اسرائیلی که در خارج از این کشور به دنیا آمده‌اند و در این نوشته از آنها با عنوان «شرقی تبارهای نسل اول» یاد می‌شود، جمعیتی معادل ۸۹۴/۱۴۷ نفر داشته‌اند. (۲۱) جمعیت گروه الف (مهاجران تا سال ۱۹۶۰) به اسرائیل در پایان سال ۱۹۹۶ معادل ۵۷۶/۱۷۶ نفر و میزان مشارکت این گروه در نیروی کار غیرنظامی اسرائیل ۴۷/۳ درصد بوده است. جمعیت گروه ب معادل ۲۲۱/۶۹۵ نفر بوده که در سال مورد نظر، تقریباً ۵۸/۵ درصد از آنها در نیروی کار حضور و مشارکت داشته‌اند. جمعیت گروه پ نیز ۹۶۲۷۶ نفر بوده که میزان مشارکت آنها در بازار کار غیرنظامی ۴۶/۱ درصد در سال ۹۶ گزارش شده است. (۲۲) بدین ترتیب و با توجه به ارقام داده شده در پایان سال ۱۹۹۶ تنها ۵۰/۶ درصد از مجموعه ۸۹۴ هزار نفری «شرقی تبارهای نسل اول» به طور میانگین در نیروی کار اسرائیل مشارکت داشته‌اند. نکته دیگر این که بیشترین حضور در نیروی کار (۵۸/۵ درصد) مربوط به مهاجران شرقی تباری است که بین ۱۹۶۱ تا ۱۹۷۴ به اسرائیل آمده‌اند و این گروه همانطور که در بخش آموزش اشاره شد عمدتاً از کشورهای شمال آفریقا آمده و وضعیت تحصیلی و آموزشی آنان بهتر از دیگر شرقی تبارها بوده است. باید توجه داشت میزان مشارکت شرقی تبارهای نسل اول در نیروی کار، در همه سنین یکسان نیست و بیشترین حضور در گروه سنی ۳۵ تا ۴۴ سال (۷۴/۶ درصد) دیده می‌شود. به عبارتی می‌توان گفت، تقریباً سه چهارم شرقی تبارهای نسل اول ۳۵ تا ۴۴ ساله جذب بازار کار اسرائیل شده‌اند. اما در گروه‌های سنی دیگر وضعیت شرقی تبارها در سال ۹۶ بدین شرح بوده است: در گروه سنی ۶۵ ساله و بالاتر تنها ۶/۹ درصد، در گروه سنی ۴۵ تا ۵۴ سال ۷۳ درصد، در گروه سنی ۳۵ تا ۴۴ سال ۷۴/۶ درصد، در گروه سنی ۲۵ تا ۳۴ سال ۶۵/۷ درصد، در گروه سنی ۱۸ تا ۲۴ سال ۴۲/۱ درصد و نهایتاً در گروه سنی ۱۵ تا ۱۷ سال

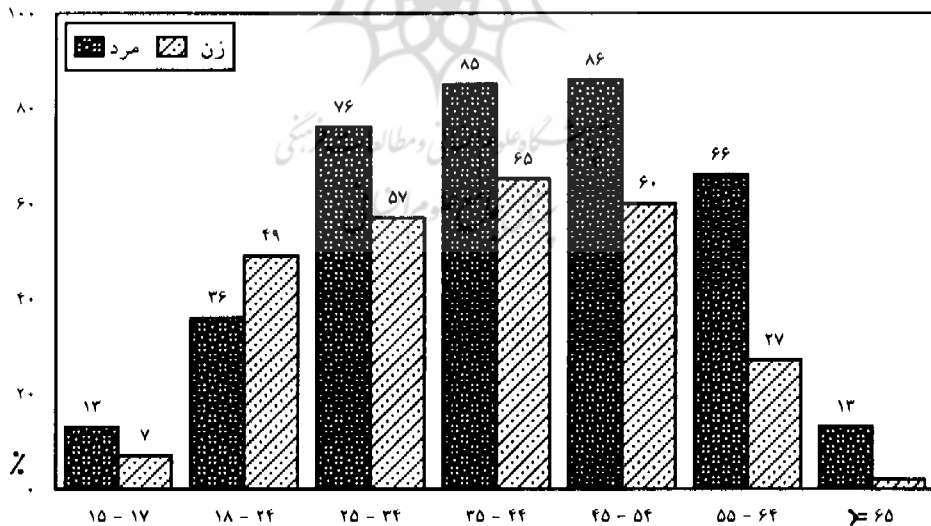
۱۰/۴ درصد از شرقی تبارها به کار مشغولند. در مقایسه با یهودیان نسل اول غربی تبار یهودیان شرقی تبار در تمامی گروه‌های سنی حضور کمتری در نیروی کار دارند. به عنوان مثال در گروه سنی ۶۵ سال و بالاتر ۱۰/۷ درصد از غربی تبارها در نیروی کار حضور دارند. در گروه سنی ۳۵ تا ۴۴ سال، میزان حضور غربی تبارها در نیروی کار ۸۵/۷ درصد (۱۰/۱ درصد بیشتر از شرقی تبارهای ۳۵ تا ۴۴ ساله) است. در گروه‌های سنی دیگر نیز شبیه این وضعیت وجود دارد و غربی تبارها، سهم بیشتری در نیروی کار دارند. نمودار زیر در همین رابطه و بر اساس آمارهای سال ۱۹۹۶ مرکز آمار اسرائیل ترسیم شده است: (۲۳)

نمودار شماره ۳ - میزان مشارکت یهودیان اسرائیل در نیروی کار غیر نظامی به تفکیک محل تولد و گروه سنی

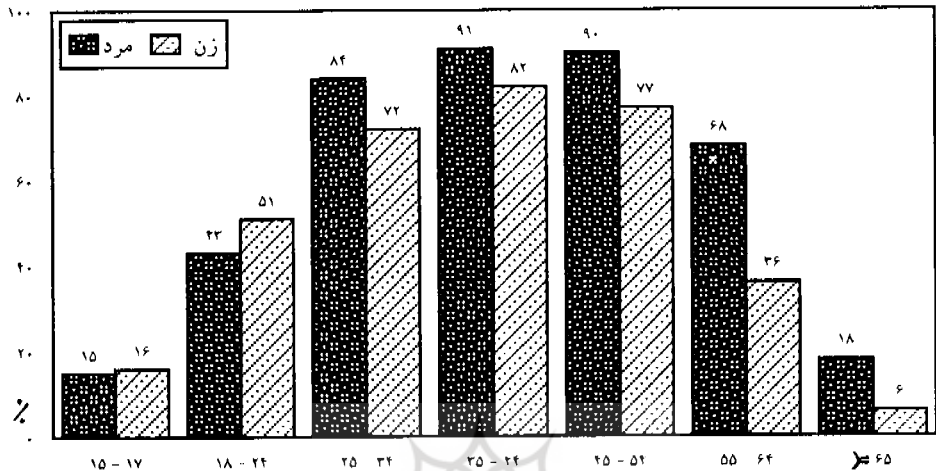


چنانکه در نمودار فوق نمایان است، میزان مشارکت یهودیان متولد کشورهای آسیایی و آفریقایی در کلیه گروه‌های سنی، از یهودیان متولد اروپا و آمریکا در بازار کار اسرائیل کمتر و با آن حدود ۵ تا ۱۰ درصد اختلاف دارد. یکی از عوامل مؤثر در این رابطه آن است که، مشارکت شغلی زنان شرقی تبار به شکل قابل ملاحظه‌ای کمتر از زنان غربی تبار است. از جمله عواملی که در مشارکت اندک زنان شرقی تبار نقش دارد می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: بر خورداری از آموزش و تحصیلات پایین فرهنگ شرقی در رابطه با تقسیم کار داخل و بیرون منزل، امکانات محدود اقتصادی برای سرمایه‌گذاری و ایجاد مشاغل مستقل و خود اشتغالی زنان و... دو نمودار زیر با استفاده از آمارهای سال ۱۹۹۶ مرکز آمار اسرائیل و در رابطه با ساختار جنسی اشتغال در شرقی تبارها و غربی تبارهای نسل اول ترسیم شده است: (۲۴)

نمودار شماره ۴ - میزان مشارکت یهودیان متولد آسیا و آفریقا در نیروی کار غیر نظامی



نمودار شماره ۵ - میزان مشارکت یهودیان متولد اروپا و امریکا در نیروی کار غیر نظامی



گروه سنی شاغلین

با توجه به دو نمودار صفحه قبل می توان دریافت در بین تبارهای نسل اول، میزان حضور زنان و مردان در نیروی کار به استثنای گروه سنی ۵۵ سال به بالا، در بقیه گروههای سنی نزدیک به یکدیگر است، در حالی که در بین شرقی تبارها میزان حضور زنان و مردان در بازار کار، به استثنای گروه سنی ۱۸ تا ۲۴ سال، اختلاف قابل توجهی را نشان می دهد و این اختلاف بین ۱۰ تا ۳۹ درصد نوسان دارد. مشارکت پایین تر زنان شرقی تبار نسبت به مردان در نیروی کار، ارتباط تنگاتنگی با عواملی که پیشتر ذکر شد دارد.

میزان مشارکت شرقی تبارهای نسل دوم، در بازار کار تا حدودی نسبت به نسل اول بهتر است، هر چند به خاطر مشکلات و موانع آموزشی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی هنوز

تا دستیابی به موقعیتی برابر با غربی تبارهای نسل دوم و سابراه، شرقی تبارها باید راه طولانی و دشواری را طی کنند. به طور کلی میزان مشارکت نسل دوم شرقی تبار در بازار کار طی سال ۱۹۹۶ در حدود ۶۲/۵ درصد یعنی ۱۲ درصد بیشتر از میزان حضور پدرانشان بوده است. البته با فرض این که آمارهای رسمی منتشر شده را منطبق با واقعیات موجود در جامعه دانسته و هیچ تردیدی در آن نداشته باشیم، حضور بیشتر نسل دوم در بازار کار، به معنای بهبود وضعیت اشتغال این نسل تلقی نمی شود، زیرا چنانکه در سطور آینده اشاره خواهیم کرد، توزیع جایگاهها و رده‌های شغلی، هنوز به گونه‌ای است که مشاغل عمدتاً کارگری، سطح پایین و کم درآمد نصیب یهودیان شرقی تبار (اعم از متولدین داخل یا خارج اسرائیل) می شود. با این وجود و به فرض صحت ارقام منتشره، نسل دوم غربی تبارها با میزان حضور ۶۹/۸ درصدی خود در بازار کار سال ۱۹۹۶، در حدود ۷/۳ درصد مشارکت بیشتری نسبت به شرقی تبارها دارا بوده‌اند. مقایسه میان نرخ مشارکت نسل دوم شرقی‌ها، غربی‌ها و سابراه‌ها ما را به شناخت بهتری از مسأله رهنمون می‌گردد. نرخ مشارکت گروه‌های سه گانه فوق در نیروی کار اسرائیل در جدول زیر آمده است:

■ جدول شماره ۵- میزان مشارکت یهودیان اسرائیل در نیروی کار به تفکیک نژاد و سن در سال ۱۹۹۶ (بر حسب درصد)

گروه سنی	نسل دوم سابراه	نسل دوم شرقی تبار	نسل دوم غربی تبار
۱۵ تا ۱۷ ساله	۱۶/۴ درصد	۱۰/۶ درصد	۱۲ درصد
۱۸ تا ۲۴	۲۸/۷	۴۵	۴۳/۵
۲۵ تا ۳۴	۷۸	۷۷/۱	۸۰/۶
۳۵ تا ۴۴	۸۳	۷۸/۴	۸۶/۵
۴۵ تا ۵۴	۸۳/۶	۷۸/۷	۸۹/۵
۵۵ تا ۶۴	۶۰/۵	۵۹/۸	۷۲/۲
۶۵ ساله و بالاتر	۱۴	۱۵/۲	۳۵/۲

Source: Statistical Abstract of Israel, 1997, "Labor and Wages"

با توجه به مندرجات جدول فوق، در گروه‌های سنی ۱۵ تا ۳۴ سال نرخ مشارکت نسل دوم شرقی تبار به دیگر گروه‌ها، به ویژه غربی تبارهای نسل دوم تقریباً نزدیک است، اما از گروه سنی ۳۵ سال و بالاتر نرخ مشارکت شرقی تبارها به طور محسوسی (بین ۹ تا ۲۰ درصد) کمتر از نرخ مشارکت نسل دوم غربی تبار است. نکته دیگر اینکه بیشترین حضور شرقی تبارهای نسل دوم (۷۸/۷ درصد) در نیروی کار، در گروه سنی ۴۵ تا ۵۴ سال ملاحظه می‌شود.

ب: نوع و ماهیت مشاغل

فرآیند صنعتی شدن و رشد اقتصادی در کشوری مانند اسرائیل، عمدتاً از طریق توسعه تکنولوژی پیشرفته و سرمایه‌بر انجام می‌شود. این فرآیند، تنها آن بخش از جامعه را در بر می‌گیرد که امکان پذیرش و رشد فعالیتهای بخش مدرن را داشته باشد. بدین ترتیب حوزه‌های وسیعی از فعالیتهای اقتصادی که کارکنان آنها به دلیل میزان تحصیلات، نوع شغل، سطح مهارت و تخصص و یا محل سکونت و... نتوانسته‌اند به بخش مدرن اقتصاد وارد شوند، دچار فقر مطلق یا نسبی شده، به علت محدود و تخصصی بودن بخش مدرن اقتصادی این گروه به حاشیه رانده می‌شوند. همانطور که گفته شد توسعه اسرائیل در گروه سرمایه‌گذارهای کلان در صنایع پیشرفته است و فعالیتهای اقتصادی جامعه، به دو بخش مدرن و سنتی یا به تعبیر دیگر دو بخش متشکل و غیر متشکل تقسیم شده است. (۲۵) خانواده‌های فقیر و کم‌درآمد یهودی در اسرائیل را باید در بخش غیر متشکل اقتصادی جستجو کرد. چنین نیروی کاری اگر بیکار نباشد، حداکثر به صورت کارگر مزدبگیر در بخش خصوصی یا دولتی، در کارهای ساختمانی، مزارع کشاورزی متعلق به دیگران، صنایع کوچک و ساده، شغل‌های تولیدی و صنعتی ساده، خرید و فروش و دلالی، کارهای خدماتی و دستفروشی و... مشغول به کار است، فعالیتهایی که از آن به عنوان فعالیتهای

بخش غیر متشکل اقتصادی نام برده می‌شود.

با تأمل در توزیع منطقه‌ای اشتغال در اسرائیل، می‌توان دریافت که فعالیتهای بخش غیر متشکل اقتصادی اسرائیل، عمدتاً در محل سکونت یهودیان شرقی (شهرهای در حال توسعه مرکز و جنوب اسرائیل) و همچنین محل سکونت عربهای اسرائیل (شمال اسرائیل و منطقه المثلث) متمرکز است، در حالی که فعالیتهای تخصصی، مدیریتی، پولی، بانکی، بیمه و صنایع تکنولوژیک در پایتخت، شهرهای بزرگ، کیبوتصها و تا حدودی نیز در شهرکهای یهودی نشین کرانه باختری و نوار غزه به چشم می‌خورد. نحوه توزیع اشتغال در مناطق مختلف اسرائیل، نقش مهمی در میزان توسعه یافتگی، توسعه نیافتگی و بالتبع سطح درآمد هر منطقه تاکنون داشته است. حتی صنایعی که در مناطق زندگی یهودیان شرقی مستقر است، عمدتاً صنایع تک محصولی، غیر مدرن و فاقد رقابت از قبیل صنایع پوشاک، نساجی، بافندگی، چوب و کاغذ است که طی سالهای اخیر و قبل از آن بارها تا آستانه تعطیل و ورشکستگی پیش رفته‌اند. صنایع موجود در این مناطق در طول زمان با مشکلات جدی روبرو بوده‌اند که برخی از عمده‌ترین آنها عبارتست از:

الف: فقدان مراکز تحقیقاتی و تخصصی کارآمد برای ارائه کمکهای فنی و مدیریتی جهت ارتقاء سطح بهره‌وری و کیفیت در این واحدهای صنعتی

ب: کمبود نقدینگی، سرمایه و پشتوانه محکم و مطمئن مالی برای این واحدها
ج: عدم وجود بانکهای تخصصی مرتبط با صنایع موجود در این مناطق جهت پرداخت وام و اعتبارات به این واحدها در زمان ورشکستگی (این در حالی است که بانکهای بزرگ اسرائیل مثل «هاپوعالیم»، «لئومی» و «دیسکونت» مبالغ هنگفتی به صنایع پیشرفته مثل الکترونیک، کامپیوتر و تجهیزات پزشکی وام می‌دهند و در آنها سرمایه‌گذاری می‌کنند. به همین خاطر صنایع تکنولوژیک اسرائیل همواره از پشتوانه مطمئن مالی برخوردارند.)

د: کمبود نیروی متخصص و دارای تحصیلات آکادمیک در این واحدها

ه: وجود رقابت بین یهودیان شرقی ساکن در این مناطق و کارگران خارجی یا فلسطینی بر سر تصاحب رده‌های شغلی در واحدهای صنعتی مربوطه زیرا (در موارد متعددی کارفرمایان این واحدها از کارگران ارزان فلسطینی یا خارجی استفاده می‌کنند).
و: مشکل فروش و بازاریابی محصولات این واحدها که اولاً قابل رقابت با محصولات وارداتی مشابه نیست و ثانیاً به علت دوری از پایتخت یا مراکز شهری حمل و نقل محصولات هزینه برمی‌دارد.

بناباه دلایل فوق و برخی شرایط اقتصادی-اجتماعی دیگر، روند توسعه در مناطق زندگی یهودیان شرقی سالهاست که متوقف یا بسیار کند شده است و این مناطق نه تنها قدرت جذب متخصصین و سرمایه‌گذاران داخلی و خارجی را ندارد، بلکه با مشکل فرار مغزها و سرمایه‌داران خود به خارج از این مناطق نیز روبروست.

ساختار قومی اشتغال در اسرائیل نشان می‌دهد، یهودیان شرقی تبار هنوز هم مثل پدران خود، حضور متراکم و چشمگیری در مشاغل روزمزدی، کارگری و به عبارتی مشاغل «یقه‌آبی»* دارند. در سال ۱۹۸۲ در حدود ۳۶/۶ درصد از شرقی تبارهای نسل اول و ۳۴/۵ درصد از شرقی تبارهای نسل دوم، در مشاغل بخش کارگری اسرائیل اشتغال داشته‌اند. این نسبت در غربی تبارهای نسل اول و دوم در همان تاریخ به ترتیب ۲۵/۲ و ۱۳ درصد بوده است. (۲۶) آمارهای رسمی سال ۱۹۹۶ منتشره توسط مرکز آمار اسرائیل بیانگر این نکته است که سهم یهودیان شرقی در مشاغل کارگری و سطح پایین، تغییر محسوسی نسبت به گذشته نکرده است و همچنان آنها حضور پر تراکم خود را در فعالیتهای بخش غیرمتشکل اقتصادی اعم از بخش کارگری، خدماتی، کارمندان معمولی و... حفظ کرده‌اند.

* Blue Collar Jobs

آمارهای رسمی سال ۱۹۹۶ نشان می‌دهد، در بین شرقی تبارهای نسل اول تنها ۶/۸ درصد از مردان عضو هیأت‌های علمی دانشگاهها و مراکز آموزش عالی بوده‌اند. در مشاغل تخصصی ۱۴/۶ درصد از زنان و ۸/۲ درصد از مردان اشتغال داشته‌اند. در مشاغل مدیریتی بخش دولتی و عمومی نیز ۸/۱ درصد از مردان و ۱/۳ درصد از زنان شرقی تبار نسل اول را می‌توان ملاحظه کرد. بقیه نیروی کار شرقی تبارهای نسل اول (در حدود ۷۸ درصد) در مشاغلی چون کارمند معمولی، کارکنان خدماتی، کشاورزی و کارگری مشغول به کار بوده‌اند. نحوه توزیع شاغلین یهودی شرقی تبار نسل اول به تفکیک جنس در جدول زیر آمده است.

■ جدول شماره ۶- توزیع شاغلین یهودی شرقی تبار نسل اول در گروه‌های ۹ گانه شغلی به تفکیک جنس (سال ۱۹۹۶)

گروه‌های شغلی	مرد (درصد)	زن (درصد)
اساتید و هیأت علمی دانشگاه	۶/۸	۵/۲
تکنیسین و متخصص	۸/۲	۱۴/۶
مدیران	۸/۱	۱/۳
کارمندان اداری	۱۱	۲۳/۵
کارکنان امور خدماتی و فروشندگان	۱۵/۹	۳۱
کشاورز ماهر	۳	۰/۳
کارگر ماهر صنعتی و ساختمانی	۲۸	۷/۷
کارگر غیر ماهر	۹	۱۶/۶

Source: Statistical Abstract of Israel, 1997, "Jewish Employment persons..." Table 12-1.

در همان سال ۱۹۹۶ توزیع اشتغال در شرقی تبارهای نسل دوم بدین صورت بوده است: عضو هیأت علمی دانشگاهها ۶/۴ درصد، مشاغل تخصصی ۱۳/۲ درصد، مشاغل مدیریتی ۴/۵ درصد، کارمندان اداری ۲۳/۸ درصد، امور خدماتی و خرید و فروش ۲۰ درصد، کشاورزی ۱/۸ درصد و مشاغل کارگری مجموعاً ۴۰/۴ درصد. (۲۷)

بدین ترتیب ملاحظه می‌شود تنها بخش اندکی از نیروی کار یهودیان شرقی تبار، (اعم از نسل اول و دوم) در مشاغل سطح بالای جامعه جذب شده‌اند به طوری که نسبت جذب در اینگونه مشاغل برای نسل اول تقریباً ۲۲ درصد و برای نسل دوم شرقی تبارها در حدود ۲۴ درصد بوده است. ۷۶ الی ۷۸ درصد بقیه را اکثراً کارگران، کارمندان، روزمزدها و... تشکیل می‌دهند. این در حالی است که در سال ۱۹۹۶ میزان حضور غربی تبارهای نسل اول در مشاغل سطح بالا ۳۵/۷ درصد و نسل دوم غربی‌ها ۴۹/۳ درصد بوده است. (۲۸) علاوه بر این، اکثریت سرمایه‌گذاران و صاحبان کمپانیهای بخش خصوصی اسرائیل، از یهودیان غربی و سابراه‌ها تشکیل شده است.

ج: سطح کلی درآمدها

جایگاه شغلی افراد و گروههای اجتماعی، نقش مهمی در میزان درآمد و سطح زندگی آنان خواهد داشت. قرار داشتن در یک جایگاه شغلی مناسب، یک زندگی راحت و بی‌دغدغه را برای صاحبش به ارمغان می‌آورد و طبعاً قرار داشتن در جایگاه شغلی نامناسب یا سطح پایین، علاوه بر عدم تأمین معاش، شخص را همواره در معرض آسیب‌های فراوان مثل بهره‌کشی، اخراج، رقابت با کارگران دیگر بر سر دستمزدارزانتز، قراردادهای روزمزدی یا کوتاه مدت و در یک کلمه فقدان امنیت شغلی قرار می‌دهد. سهم اصلی یهودیان شرقی تبار در رده‌های شغلی موجود در اسرائیل، مشاغل کم‌درآمد و عموماً سطح پایین بوده و می‌باشد. در این بخش تعدادی از عناوین شغلی به همراه میانگین دستمزد

ماهانه در هر کدام از آنها به طور اتفاقی انتخاب شده و در جدول زیر آمده است. ارقام مربوط به دستمزدها متعلق به تاریخ پرداخت ماه ژوئن ۱۹۹۸ است (زمانی که هر دلار آمریکا معادل ۴ شیکل بود):

■ جدول شماره ۷- دستمزد ماهانه در تعدادی از مشاغل مختلف انتخابی در اسرائیل

عنوان شغلی	دستمزد به شیکل
۱- شاغل در صنایع ارتباطاتی الکترونیک	۱۳۴۰۲
۲- شاغل در صنایع تجهیزات کنترلی، پزشکی و علمی	۱۲۷۷۵
۳- خرید و فروش و خدمات کامپیوتر	۱۱۴۰۶
۴- شاغل در مؤسسات مالی و بانکی	۱۰۵۹۱
۵- شاغل در صنایع تجهیزات حمل و نقل	۱۰۲۸۶
۶- شاغل در بخش تحقیقات مربوط به توسعه	۱۰۱۱۲
۷- مدیران نهادها و سازمانهای اداری	۹۰۲۵
۸- کارکنان خدمات بهداشت و درمان	۷۵۹۷
۹- کارکنان آموزشی دانشگاهها	۶۸۰۹
۱۰- شاغل در امور بازرگانی و عمده فروشی	۶۷۱۹
۱۱- شاغل در حمل و نقل زمینی میان جاده‌ای	۶۶۴۴
۱۲- شاغل در صنایع تولید فلزات	۶۳۵۳
۱۳- خرید و فروش و تعمیر وسایل نقلیه	۵۸۶۷
۱۴- کارکنان بخش تجاری خرده فروشی	۵۷۴۸
۱۵- کارکنان صنایع غذایی، نوشابه و دخانیات	۵۷۱۵
۱۶- عضو شورای محلی	۵۵۳۷
۱۷- کارکنان بخش خدمات عمومی و حمل و نقل درون شهری	۵۳۹۵
۱۸- معلمین مقطع راهنمایی و دبیرستان	۵۲۰۴
۱۹- شاغل در احزاب سیاسی و کارگری	۴۷۷۹
۲۰- شاغل در امور خدمات مذهبی	۴۲۲۰
۲۱- شاغل در صنایع نساجی و پوشاک	۴۳۴۹
۲۲- معلمین مقطع ابتدایی و دبستان	۴۳۶۵
۲۳- تعمیرات لوازم خانگی و ...	۴۲۲۷
۲۴- مربیان مقطع پیش دبستانی	۳۵۶۷
۲۵- خدمات رفاهی و اجتماعی	۳۰۳۳
۲۶- نگهداری، سرایداری و نظافت ساختمانها و منازل	۲۵۳۷

Source: Monthly Bulletin of Statistics, "Labor and Wages", Jerusalem, Sep. 1998.

با تاملی در ردیفهای شغلی و میزان دستمزدهای مربوطه، می توان تصور کرد که سه چهارم نیروی کار یهودیان شرقی تبار در چه پایه‌ای از حقوق و سطح درآمد قرار می گیرند. چنانچه مقایسه‌ای صورت بگیرد ملاحظه می شود، اکثریت شرقی تبارها جزء طبقات پایین و کم درآمد جامعه اسرائیل و بخش اندکی از آنان جزء طبقات متوسط و بالا به لحاظ درآمد قرار می گیرند. این در حالی است که مسایلی چون بیکاریهای فصلی، بیکاریهای پنهان و آشکار و اخراجها را از معادلات مربوط به سطح درآمد شرقی‌ها حذف و فقط شاغلین آنها مد نظر قرار گرفته اند. در همین زمینه به مطلبی برگرفته از نشریه دفتر مطالعات قومی و نژادی، اشاره می شود. به گفته این نشریه، ده درصد از جامعه یهودی اسرائیل را طبقه بسیار پردرآمد تشکیل می دهد. در این طبقه، فقط ۱۸ درصد یهودیان آسیایی و آفریقایی تبار قرار دارند و ۸۲ درصد بقیه را یهودیان غربی و سابرا تشکیل می دهند. از طرفی اگر ۱۰ درصد از کم درآمدترین طبقات جامعه یهودی اسرائیل را در نظر بگیریم، سهم یهودیان آسیایی و آفریقایی تبار در این لایه اجتماعی ۶۸ درصد است.

تحقیقات جدیدی که توسط «اینون کوهن» و «اسحاق هابرفیلد» بر روی یهودیان نسل دوم در اسرائیل صورت گرفته نشان می دهد، طی سالهای ۱۹۷۵ تا ۱۹۹۲ شکاف طبقاتی درآمد، بین یهودیان شرقی و غربی تبار افزایش یافته است. به نظر این دو از میان فواصل اجتماعی متعدد، تنها فاصله و شکافی که طی این سالها بین یهودیان شرقی و غربی تبار تقریباً پر شده و از بین رفته فقط نرخ باروری و تولید مثل بوده است!

بیکاری و سهم شرقی تبارها در آن

یکی از موارد مهمی که در حوزه مسأله اشتغال یهودیان شرقی تبار لازم است مستقلاً بدان توجه شود، موضوع بیکاری در جامعه اسرائیل است. بر حسب اذعان مسؤلان رسمی اسرائیل و مطبوعات این کشور و آمار و ارقام منتشره، بخش اعظم بیکاری در شهرها و

مناطق در حال توسعه متمرکز است. همان شهرها و مناطقی که دولتهای اسرائیل مهاجران تازه وارد آسیایی و آفریقایی را بدون سرمایه کافی، تأسیسات خدماتی و زیربنایی، نظام آموزشی و پرورشی مناسب و... در آنها اسکان داده‌اند. اشتغال اهالی این شهرها به مشاغل کارگری سطح پایین و کم‌درآمد در کارخانجات و کارهای فصلی زراعت، در کیبوتص‌ها و موشاوهای مجاور محدود شده است. هنگامی که کارخانجات یا شرکت‌های موجود در این شهرها دچار مشکلات اقتصادی شوند و یا کارگران ارزان قیمت‌تری (مانند کارگران مهاجر فلسطینی، اردنی، مصری و تایلندی) پیدا شود طبعاً آنها را استخدام می‌کنند و در نتیجه اهالی شهرهای در حال توسعه، از تنها منبع معیشت و اشتغال خود محروم می‌شوند. در پاییز سال ۱۹۹۷ روزنامه «هاآرتص» هشدار داده بود که کارخانجات جنوب اسرائیل واقع در منطقه «نقب» که عمدتاً صنایع چوب، پلاستیک و نساجی است، در معرض ورشکستگی کامل اقتصادی قرار گرفته‌اند. در همین زمان، نرخ بیکاری در برخی از شهرهای در حال توسعه واقع در جنوب اسرائیل مثل «اوفاکیم» و «نتیفوت» به مرز ۱۴ درصد رسید. (۲۹) چنین حالتی در سالهای قبل از آن نیز وجود داشته است. چنانچه در گزارشهای رسمی ملاحظه می‌شود در سالهای ۸۹-۱۹۸۸ میزان بیکاری در شهرهای در حال توسعه ۶۰الی ۶۶ درصد بیشتر از میزان بیکاری در تل‌آویو بوده است. در سال ۱۹۹۲ این شکاف، مقداری کاهش یافت و به ۲۴ درصد رسید، اما مجدداً در سالهای ۹۴-۱۹۹۳ فاصله مزبور افزایش یافته و به رقم ۶۸ درصد رسید. در سال ۱۹۹۴ در حالی که نرخ بیکاری در تل‌آویو ۸/۱ درصد بود، شهرهای در حال توسعه یعنی مناطق استقرار یهودیان شرقی تبار اسرائیل، به طور متوسط از یک نرخ بیکاری ۱۳/۶ درصدی رنج می‌بردند. (۳۰)

کم‌توجهی و عدم برنامه‌ریزی جدی در رابطه با وضعیت اقتصادی-اجتماعی مناطق و شهرهایی که یهودیان شرقی تبار در آن زندگی می‌کنند، موجب شده که اکثریت نیروی کار این مناطق به صورت غیرماهر، نیمه‌ماهر، فاقد تخصص و دانش فنی پیشرفته، متکی

به کمک‌های اقتصادی دولت و بی‌تحرک باقی‌مانند و اشتیاق چندانی برای یافتن کار مناسب‌تر و یا پایداری در شغل، از خود نشان ندهند.

■ جدول شماره ۸- تعداد جستجوکنندگان کار و شغل در مناطق در حال توسعه اسرائیل (۹۸-۱۹۹۴)

سال	تعداد جویندگان کار در مناطق در حال توسعه
۱۹۹۴	۱۹۸۲۱
۱۹۹۵	۲۰۸۲۴
۱۹۹۶	۲۳۶۸۱
۱۹۹۷	۲۹۹۰۸
۱۹۹۸	۳۲۹۹۷
۱۹۹۸	۳۳۹۳۲

Source: [www.cbs.gov.il/yarhon/"Work Seeker in Labor Enchanges of the Employment Service"](http://www.cbs.gov.il/yarhon/Work%20Seeker%20in%20Labor%20Enchanges%20of%20the%20Employment%20Service) Tablek/16, Oct. 1998.

بر مبنای شواهد موجود، حجم بیکاری در مناطق استقرار یهودیان شرقی تبار، بیش از هر حوزه دیگر در جامعه اسرائیل است و اغراق نیست اگر گفته شود، تنها گروه جمعیتی تقریباً مشابه با یهودیان شرقی تبار به لحاظ نرخ بیکاری، عرب‌های اسرائیلی‌اند زیرا نرخ آن در مناطق عرب‌نشین نیز بین ۹الی ۱۴ درصد در نوسان است. (۳۱)

در سطور قبل، به توزیع بیکاری و سهم شرقی‌ها اشاره شد. اینک نرخهای بیکاری ارائه شده بین سالهای ۱۹۹۳ تا ۱۹۹۶ تجزیه گردیده، وضعیت نسل اول و دوم شرقی تبارها و سپس وضعیت بیکاری در یهودیان غربی تبار نسل اول و دوم مورد مطالعه قرار می‌گیرد. در سال ۱۹۹۳ نرخ بیکاری در شرقی تبارهای نسل اول ۸/۵ درصد و در فرزندان آنها ۱۳/۲ درصد بوده است. در سال ۱۹۹۴ نرخ بیکاری در نسل اول و دوم شرقی تبارها به ترتیب ۶/۷ درصد و ۱۰/۵ درصد گزارش شده است. در سال ۱۹۹۵ این نرخ برای دو نسل مزبور به ترتیب ۵/۷ و ۸/۸ درصد و در سال ۱۹۹۶ نیز، تقریباً در همان سطح یعنی به ترتیب ۵/۷ درصد و ۹ درصد ذکر شده‌اند. (۳۲) در مورد یهودیان غربی تبار وضعیت بسیار متفاوت است.

در سال ۱۹۹۳ نرخ بیکاری در یهودیان نسل اول غربی تبار ۵/۲ درصد و در نسل دوم ۴/۹ درصد گزارش شده است. در سال ۱۹۹۴ نرخ بیکاری در نسل اول ۳/۹ و در نسل دوم ۴/۲ درصد بوده است. در سال ۱۹۹۵ نرخ بیکاری در غربی تبارهای نسل اول و دوم به ترتیب ۳/۲ و ۳/۶ درصد و در سال ۱۹۹۶ نیز نرخ بیکاری در غربی تبارهای نسل اول ۳/۷ درصد و در فرزندان آنها ۴/۷ درصد گزارش شده است. (۳۳)

مقایسه نرخ بیکاری در یهودیان شرقی و غربی تبار حاوی نکات قابل توجهی است. نخست اینکه نرخ بیکاری در داخل شرقی تبارها متفاوت است یعنی نسل دوم از نسل اول بیشتر گرفتار این پدیده منفی می‌باشد. نکته دیگر اینکه بیکاری در بین نسل اول شرقی تبارها تقریباً دو برابر میزان بیکاری در نسل اول غربی تبارها است. همین موضوع در نسل دوم شرقی تبارها در حدود ۲/۵ برابر میزان بیکاری در نسل دوم غربی تبارهاست. لازم به ذکر است در این آمارها نرخ بیکاری مهاجران تازه وارد روسی از گروه یهودیان غربی حذف و در محاسبات منظور نشده است. این آمارها به خوبی نشان می‌دهد که نرخ بیکاری در سالهای اخیر همواره در بین یهودیان شرقی تبار بیشتر از غربی تبارهای اسرائیل بوده است. پس از ۱۹۹۶ نیز شهرها و مناطق استقرار یهودیان شرقی، همچنان به عنوان نقطه ثقل بیکاری بوده است و اکثریت بیکاران و جویندگان کار را باید در اهالی این مناطق سراغ گرفت. چنان که پیشتر ذکر شد، روز به روز بر تقاضای کار یهودیان شرقی ساکن در مناطق در حال توسعه افزوده می‌شود. پایان سخن این که، اگر چه بین شهر در حال توسعه و محروم «کریات شموئه» با شهر ساحلی «حیفا» «افاکیم» با «تل‌آویو» فاصله زیادی وجود ندارد، اما فواصل آموزشی، شغلی، سطح درآمد، فرصتهای زندگی، صنعت و تکنولوژی و زیرساختهای اقتصادی موجود به اندازه یک قرن و چند نسل به نظر می‌رسد.

نتیجه گیری

امروزه نیمی از جامعه یهودی اسرائیل را مهاجرانی از کشورهای اسلامی آسیای و آفریقای به ویژه عربی تشکیل می دهند و نیم دیگر، ریشه در کشورهای اروپایی و غربی دارند. شرقی تبارها عمدتاً پس از ۱۹۴۸ به اسرائیل وارد و هنگام ورود با نظام سیاسی - اجتماعی متمرکز و بهم پیوسته‌ای که تحت کنترل یهودیان غربی قرار داشت، روبرو شدند. این نظام به وسیله گروهی از یهودیان اروپای شرقی که ابتدای قرن بیستم به فلسطین آمده بودند، ایجاد شده بود و آنها نهادهای اصلی دولتی را تأسیس کرده بودند. چون از همان ابتدا به یهودیان شرقی به عنوان کسانی که جزو مهاجران یهودی پیشگام نبوده‌اند و سهمی در تأسیس دولت و نظام حکومتی اسرائیل نداشتند نگریسته می شد، قشر بندی اجتماعی ویژه‌ای به وجود آمد و در اواخر دهه ۵۰ میلادی شکل مشخصی به خود گرفت و طی دهه‌های بعد نیز این قشر بندی طبقات اجتماعی تثبیت و تقویت شد. این وضعیت به گونه‌ای تداوم یافت که از دهه ۸۰ بخش اعظم غربی تبارها جزو طبقه متوسط و بالای جامعه و از طرفی تقریباً تمام یهودیان شرقی تبار جزو طبقه کارگر و استثنائاً تعدادی از آنها جزو طبقات متوسط بوده‌اند. به طور کلی غربی تبارها با توجه به شاخصهایی چون شغل، آموزش، مسکن، درجات نظامی و... طی دهه‌های گذشته و زمان معاصر، در سطوح بالاتری نسبت به یهودیان شرقی قرار داشته و دارند. علاوه بر این شاخص مهم دیگر در تعیین بالا یا پایین بودن جایگاه طبقاتی این دو گروه، میزان کنترلی است که هر کدام از آنها بر نظام سیاسی - اجتماعی اسرائیل اعمال می کنند. در واقع همواره غربی تبارها کنترل دولت، بخش خصوصی و موقعیتهای مهم و حساس را در احزاب بزرگ و اصلی و همچنین محافل فرهنگی - هنری در اختیار خود دارند. شرقی تبارها اکثراً دارای سطح آموزشی و تحصیلات پایین بوده و در مشاغل سطح پایین اشتغال داشته و تقریباً سهم اندکی در کنترل نهادهای سیاسی، دولتی و علمی دارند. گرچه وضعیت عمومی شرقی

تبارها طی سالهای اخیر، در برخی موارد اندکی بهتر شده، اما هنوز شکافها و فواصل اجتماعی عمده‌ای در زمینه آموزش، اشتغال، درآمد، مسکن و... بین آنها و یهودیان غربی و کل جامعه یهودی اسرائیل وجود دارد.

یادداشتها:

1- C.B.S, Statistical Abstract of Israel (Jerusalem: 1996), p. 46.

۲- الیاس سحاب، موسوعة الفلسطینة، ج ۳، بیروت: دراسات الحضارة، ص ۵۱۷.

3- L.Stein, "The Balfour Declaration", (London: Valentione and Mitchel, 1961), p. 653

4- Statistical Abstract ... p146.

5- Statistical Abstract of Israel, Population, 1997.

6- Ibid.

7- Ibid.

8- J. Katzman, New Encyclopedia of Zionism (New York: Herzal Press Publication, 1994), p 407.

۹- یهودیانی که خود و نسلهای قبل از آنها در فلسطین متولد شده‌اند «سابرا» نام دارند.

10- www.Cbs.gov.il

11- Statistical Abstract of Israel, 1996.

12- I bid.

13- [www.Cbs.gov.il/ Education/](http://www.Cbs.gov.il/Education/) Table 22-2.

14- Statistical Abstract.... p. 146.

15- Ibid.

16- [www.Cbs.gov.il/ Education/](http://www.Cbs.gov.il/Education/) Table 22-2.

17- Ibid.

- ۱۸- روزنامه یدیعوت احرونوت مورخ ۲۲ سپتامبر ۱۹۹۷، مقاله «کاهش شکافهای آموزشی»، نسخه عربی همان-۱۹.
 ۲۰- همان.

21- www.Cbs.gov.il/yarhon/"Labour and wages", 1997.

22- Ibid and Statistical Abstract. 1996, pp. 146- 147.

23- Statistical Abstract, 1997, Labor and wages".

24- Ibid.

۲۵- اصطلاح مورد نظر متعلق به دکتر توسلی استاد جامعه شناسی دانشگاه تهران است. ر.ک غلامعباس توسلی، جامعه شناسی کار و شغل (تهران: انتشارات سمت، ۱۳۷۵).

26- Internet, Dec. 1988, "Ethnicity and Social Class".

27- Statistical Abstract, 1997, "Jewish Employment Persons...", Table 12-1.

28- Ibid.

۲۹- هآرتص، ۱۹۹۷/۸/۲۲

30- Israel National Report, p78.

۳۱- شبکه یک تلویزیون اسرائیل، بخش اخبار عربی، مورخ ۱۸ نوامبر ۱۹۹۷.

32- Statistical Abstract of Israel, 1997. Table 12- 21.

33- Statistical Abstract of Israel, 1997. Tables 12- 21.